

نقدی بر اماکن مذهبی - آیینی ایران با تکیه بر پیشینه تاریخی آن

شهره جوادی

استادیار گروه مطالعات عالی هنر پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
shjavadi@ut.ac.ir

حکمت‌اله ملاصالحی
دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران
hekmat_mollasalehi@yahoo.com

چکیده

مکان‌ها، بافت‌ها، فضاها و حریم‌های دینی (مذهبی) - آیینی در ایران بطور اخص و دیگر جوامع بطور کلی بنا به شواهد و قرائن مکشوف و موجود از دیرباز مورد توجه، تقدس و احترام گروه‌های اجتماعی متدین و پایبند به آموزه‌های دینی بوده‌است. به تاریخ معماری جوامع که رجوع کنیم بی‌اغراق با یکی از غنی، زنده و شورمندانه‌ترین جلوه‌های معماری، ذوق خلاق، ذائقه زیباشناختی و روح هنرمندانگی جامعه و جهان بشری در تاریخ مواجه می‌شویم. از این منظر به‌صراحت و بی‌اغراق می‌توان گفت ایران یکی از کانون‌های فوق‌العاده مهم، غنی و دیرپای معماری دینی - آیینی در تاریخ و فرهنگ جامعه و جهان بشری بوده‌است. شگفت‌تر آن‌که در عصری که اماکن آیینی در بسیاری از جوامع روزگار ما به‌صورت موزه درآمد یا رمق و رونق آیینی و قوت قدسی تاثیرگذار و جذبه‌آور خود را از کف داده‌است، اماکن آیینی در ایران همچنان زنده و فعال با جمعیت‌های میلیونی زائران بر صحنه ایستاده‌است و حضور فعال و پررنگ دارد. بررسی، نقد، تحلیل، تعریف و معرفی این مکان‌ها، ساختار، بافت، فضا و حریم‌های دینی - آیینی در جغرافیای جهان ایرانی به لحاظ تاریخی و از منظر فلسفه و تاریخ معماری بیرون از حیطه نوشتار حاضر است و در چارچوب مباحث ما نمی‌گنجد. آنچه اینک پیش‌روست، تصویری فشرده و کوتاه و تحلیلی لیکن نه‌چندان ریزبینانه و ژرفانگر که به اختصار و اجمال در وصف و معرفی پاره‌ای از ساختارها و بناهای دینی - آیینی فعال در جامعه معاصر ایران است؛ البته با توجه به مناسبتشان با مسئله هویت - هویت نه به مفهوم روزینه و عرفی آن بلکه به مفهوم کیهانی از ارزش‌ها و باورها. به مفهوم یک فرهنگ و نحوه بودن در جهان و شیوه‌ای از زندگی. به‌معنای گنجینه‌ای از میراث مشترک و ذخایر معنوی که در جان ما جاری است. مراد ما از معماری مذهبی - آیینی و مناسبتشان با هویت به همین معناست. معماری که با وجوه دیگر مواریث مدنی و معنوی ما سخت و استوار درهم تنیده‌است.

واژگان کلیدی

مذهبی، آیینی، طبیعت، زیبایی‌شناسی، میراث فرهنگی.

مقدمه: تأملی در برخی ساختارها، بافت، فضا و حریم‌های دینی-آیینی فعال در ایران

این ساختار و حریم‌های مقدس هم جغرافیا و مکان‌های طبیعی آیینی را شامل می‌شود، هم معماری، بافت و فضاهایی که به دست هنرمندان متدینان بنیاد، پذیرفته و ساخته شده است. این حریم، مکان و ساختارهای مقدس دینی-آیینی موجود و فعال در جامعه ایران کنونی شامل کوه‌ها، غارها، چارتاقی‌های مقدس، مسجد و مزار امامان و امامزادگان و مقابر پیران و بزرگان دین، همچنین کلیسا و برج‌های آرامگاهی که در دل طبیعت و در کنار رودخانه، چشمه‌سار، جویبار و برکه و قنات قرار داشته و بنا شده، نزد مردم محترم و مقدس بوده و مأمّن و مکمنی برای سلوک متدینان و برآورده شدن حاجات زائران و انجام مراسم دینی-آیینی به مناسبت‌های مختلف است که علی‌القاعده و عل‌المعمول، دینی بوده‌اند. چه بسا این مکان‌ها، جغرافیای طبیعی‌شان در ادوار دیرین به واسطه و حضور عناصر نمادین طبیعی (آب و درخت) مورد احترام بوده و در هر مرحله و مقطع یا دوره تاریخی جامه معنا و قداست تازه بر تن پوشیده و برای پیروان دین و آیین و آموزه‌های دینی جدید همچنان حرمت و قداست خود را حفظ کرده‌است؛ واقعیت و حقایقی که در همه جوامع، تاریخ و فرهنگ بشری سابقه دارد و به عالم ایرانی محدود نمی‌شود. حتی می‌توان گفت این اماکن که جلوه‌هایی زنده و ملموس از استمرار یک اصل بنیادین یعنی تجربه انسان از امر قدسی و نسبت او با امر متعال بوده که هر بار در صورت و سیمای باور، تجربه، سنت و آموزه‌ها و حیات دینی مردمان بر صحنه آمده و جلوه‌گری کرده‌است. هر چند در دوره جدید چنین نسبت و تجربه‌ای از امر قدسی و متعال دوران افول خود را می‌گذرانند. از این منظر جهان ایرانی به‌ویژه ایران اسلامی همچنان از جمله کانون‌های زنده، فعال، غنی و شورمندانه چنین سنت و میراثی است. سنت و میراث با امر قدسی و متعال؛ به بیانی دیگر بناها و مکان‌های مذهبی-آیینی و مقدس جلوه و چهره‌ای ملموس، عینی و واقعی از تداوم فرهنگی-مذهبی و حیات معنوی مردمان از هزاره‌های کهن‌تر بوده و هر چند نه غلیظ و با رنگ و رمق پیشین، همچنان هستند. در جامعه معاصر نیز چنان دیگر جوامع روزگار ما خاصه در یک سده اخیر با رخ کردن سود و سودا و گسترش نفس‌گیر نوعی فرهنگ و زندگی کمیت زده و عمیقاً ماکیاولیستی و منفعت‌مدار این سنت و میراث در معرض آسیب، آفت و اختلالات جدی بوده‌است. افول باورهای دینی، افول معماری دینی-آیینی را در فرهنگ و جامعه معاصر به دنبال داشته‌است. رخنه باورهای خرافی، این مکان‌ها و حریم‌ها را کانون خرافه‌گستری و عوام‌زدگی کرده‌است. در معماری و هنر

نیز متأسفانه بزک‌کاری و ذائقه‌های بیمارگون و آشوب‌ناک برمسند رفیع ذائقه و هنر و هنرمندانی اصیل نشسته است. انسان با هر نسبتی در جهان زندگی کند، چهره افعال و اعمال او در فرهنگ مادی، هنر، معماری و ذوق و ذائقه زیباشناختی او به اشکال مختلف این نسبت و رابطه و نحوه نگاه آشکار می‌شود. باید با نهایت تأسف و تأثر اذعان کرد که ساختار، مکان، بافت، فضا و حریم‌هایی که در گذشته در دل طبیعت و جغرافیای طبیعی بنیاد شدند و در مراحل و مقاطع تاریخی پیش‌تر در نقاط مختلف شهرهای بزرگ و کوچک با ذائقه‌ای هنرمندانه و در نهایت زیبایی با مراعات سادگی، تناسب، هماهنگی بیرونی و هارمونی درونی و پیراسته از تکلف و بزک‌کاری‌های ناهماهنگ، پذیرای زائران بودند؛ اینک آنچنان آوار سود و سودا و منفعت‌جویی بر سرشان فروریخته که روح و تقدس و تبرک گذشته خود را از دست داده‌اند. نوسازی‌های غیراصولی و شتاب‌زده و توسعه سوداگرانه محوطه‌های آیینی و مقدس که طی دهه‌های اخیر مسئولان اوقاف بدون هماهنگی با سازمان‌ها، نهادها و متولیان ذی‌صلاح و متخصصان و مهندسان مرمت سازمان میراث فرهنگی در سرار کشور با بوق و کرنای تبلیغات فریبکارانه به راه انداخته‌اند؛ ضربه مهلکی بود که هم بر میراث فرهنگی، هم بر عقبه مدنی و معنوی ما وارد آوردند. این حریم، مکان، بافت و فضاهای آیینی که می‌توانست کانون تشعشع حیات دینی و سلوک معنوی زائران ایرانی و غیر ایرانی باشد، متأسفانه به صورت مراکز ترویج خرافه و تخدیر اذهان و تحمیق افکار گروه‌های اجتماعی درآمده‌اند.

اماکن زیارتی و دینی-آیینی ایران را از زوایای مختلف می‌شود نقد و تحلیل و آسیب‌شناسی کرد. نخست به لحاظ زیبایی‌شناختی و دیگر به لحاظ قابل دسترس بودن و سرشت مردمی‌شان. به این معنا که این سنت و میراث فرهنگی-هنری و معنوی به دلیل پیوند و پیوستگی و ارتباطشان با مردم، خاصه اقشار متوسط اجتماعی و سادگی پیراسته از تکلف و تجمل‌گرایی‌شان تا آنجا که به جوامع روستایی مرتبط می‌شوند، قابل بررسی و مطالعه و نقد است. دیگر آن‌که به لحاظ مرمت و صیانت از چنین میراث معنوی که هم ایرانی است هم اسلامی هم جهانی. مهم‌تر آن‌که ایران بی‌اغراق خود کانون یکی از غنی، متنوع، زنده، فعال، پایا، پویا و پایدارترین سنت و میراث معماری یادمانی دینی-آیینی است، ضرورت ایجاب می‌کند متولیان امر با دقت و مراقبت و احساس مسئولیت بیشتر و هوشمندانه‌تر به پای این میراث معنوی غنی سرمایه هزینه کنند و برنامه بریزند و از توسعه و مرمت فله‌ای-هیئت‌تی، سلیقه‌ای و عوامانه و سوداگرانه بپرهیزند.

فرضیه

اماکن و بناهای مذهبی آیینی طی دهه‌های اخیر با آسیب، تحریف و تخریب‌های جدی مواجه بوده‌است به طریقی که بر اثر بی‌توجهی و گاه دخالت‌های غیرتخصصی در زمینه گسترش و مرمت بنا و محوطه‌سازی با استفاده از عناصر و مصالح غیربومی موجب تضعیف جدی فضای معنوی و دورشدن از سادگی بی‌تکلف پیشین و قداست بنا یا هویت مقدس، اصالت و آیینی آن شده‌است.

مکان‌های مقدس یادمانی

برجستگی و هیبت و شکوه یک عارضه و پدیده و واقعیت طبیعی یا منفعتی که عناصر و انواع طبیعی برای مردمان داشته‌اند و استورهایی که به نام الوهیت و امر متعال درباره آن‌ها به تدریج خلق می‌شده یا چهره‌های شاخص معنوی که مورد احترام و ارادت آنها بوده و به یاد و خاطره آن‌ها بناهایی را بنیاد می‌کردند، تجربه‌ای است که در همه فرهنگ‌ها و جوامع مشاهده شده‌است. به شرق و غرب، شمال و جنوب، رومی و بومی جغرافیای تاریخی و جامعه و جهان بشری ما محدود نمی‌شود. برای انسان زائر تجربه او از امر قدسی و متعال هم زنده و هم شورمندانه است. بنا، مکان و فضاهایی را که بنیاد می‌نهد چنین است که جلوه‌ای از تجربه و نسبت و باور او را از مراتب متعالی وجود بازنموده و بیان کرده‌است. اصل، ریشه و سرچشمه یکی، صورت، جلوه و جلوه‌گری‌ها رنگارنگ و متنوع اماکن آیینی نیز چنین است. چه در ایران، یونان، هند یا جامعه سرخپوستان. روی سخن نوشتار حاضر معطوف به نوع خاصی از بنا، مکان و فضاهای دینی-آیینی ایران است که در معرض آسیب‌های جدی هم از درون و هم در بیرون قرار گرفته‌است.

برخی از این بناهای یادمانی در زمانه خود به مانند متن‌های سه بعدی بوده‌است که در یک فضای سه بعدی یا به مفهوم دقیق‌تر چهار بعدی در زمان و مکان و جغرافیای مشخص مردمان یک دوره آن‌ها را متناسب و موافق با ذوق هنرمندانه، ذائقه خلاق و زیباشناختی، نظام‌های اعتقادی، ارزشی، سیاسی، اجتماعی و هستی‌شناسی عصر خویش نگاشته و پدید می‌آورده‌است (ملاصالحی، ۱۳۹۲: ۷۱).

این بناها در دو گونه مردمی شامل بناهای ساده و محقر و اماکنی که به دستور سلاطین به شکل مجلل ساخته شده‌اند. به‌خصوص در دوران صفویه که مقبره امامان و امام‌زادگان، تجمل و زرق و برق فراوان یافت و در عهد قاجار نیز این سنت معمول بود. از آن پس تاکنون نیز این شیوه که خلاف مشی ائمه و معصومین و وابستگان آنان بوده، ادامه دارد. چندی است که این سنت همه‌گیر شامل بسیاری از بناها و مکان‌های مذهبی در گوشه و کنار کشور شده‌است.

استان مازندران به جهت حکومت‌های محلی شاهزادگان ساسانی

که تا قرن چهارم هجری تداوم داشته، دارای پیشینه قوی از معماری مذهبی - آیینی ایران است، به‌طوری که تا امروز نیز شواهد بسیاری در ارتباط با این اماکن موجود و اشاره به رسوم کهن ایرانی دارد. علاوه بر امامزاده‌های بی‌شماری که در این استان وجود دارد، «عنصر شاخص دیگری به نام سقنقار (رحیم‌زاده، ۱۳۸۲) در نقاط مختلف مازندران از شهر و روستا دیده می‌شود» که برخی بسیار ساده و ابتدایی و تعدادی نیز با مصالح جدید بازسازی شده‌است. این اماکن و عناصر و نشانه‌هایی که مربوط به آنان است حکایت از باورهای کهن مردم در ارتباط با ایزدبانو اناهیتا، الهه آب‌های پاک و باروری است. این باور در دوران اسلامی به توسل و نذر و نیاز برای سقای دشت کربلا حضرت عباس تبدیل شده‌است (ر.ک به جوادی ۱۳۸۶).

بسیاری از این سقنقارها نیز مانند مقابر بزرگان دین که میراث مذهبی آیینی این منطقه و سایر مناطق ایران است، ویران شده و تعدادی که باقی مانده با مصالح غیربومی و ناهماهنگ با نسخه و نمونه اصل بنا که چوبی و آجری بوده، مرمت شده و با گنبد و مناره‌های حلبی یا فلزی به‌ظاهر طلا و نقره‌گون نیز بزک شده‌اند! معجون معوج و جعلی که دیگر هیچ احساسی را نه از گذشته و نه در اکنون به بیننده القا نمی‌کنند مگر حس ناهمگونی و آشفتگی! بدیهی است که در صورت عدم حفاظت فیزیکی مکان، باورها و اعتقادات نیز در مدت زمان اندکی از بین خواهد رفت و شایسته است که مرمت و بازسازی و حفاظت از چنین بناها و بافت‌ها با اصول و ضوابط اولیه بنا و مکان مقدس انجام شود. ذائقه زیبایی‌شناسی، حس معنوی و باور و ایمانی دینی که آن را پدید آورده چیزی نیست که بتوان در خدمت سود و سودا در آن دست برد و به آن دست‌برد زد. صیانت از میراث معنوی که در بنا مستتر است و به آن هویت معنوی، مقدس و آیینی داده با حفاظت از ساختار فیزیکی آن سخت درهم تنیده‌است. حفاظت از این صیانت از آن و صیانت از آن، حفاظت از این را به‌دنبال دارد.

بسیاری از چارتاقی‌های کاه‌گلی و آجری که در کنار آب‌های مقدس چون چشمه و رودخانه و درجوار درختی گشن و گاه بر فراز تپه و قله کوهی بنیاد پذیرفته‌بودند (تصاویر ۱-۴)، امروز مزین به گنبد و مناره‌هایی بعضاً با اشکال غریب و نازیبا و نامأنوس از ورقه‌های فلزی حلبی طلایی و نقره‌ای رنگ و گاه کاشی‌کاری‌های پرتکلف و تهی از ذوق هنری و ناهمگون با بنا بر بنا تحمیل شده‌اند (تصاویر ۵-۸).

شماری از چشمه‌سارهای جاری در پای درخت خشک شده یا اطرافشان به زباله‌دانی تبدیل شده‌است! همه چیز قربانی سود و سودا حتی ناموس میراث یک ملت در بازار مکاره سود و سودای سوداگران. بناها، بافت‌ها، محوطه‌ها و اماکن آیینی میهن ما بیش از هر زمان در معرض تهدید و تخریب، تحریف و آسیب و آفت‌های جدی‌است. این میراث باارزش در زمان خود مصداقی



تصویر ۳. امامزاده علی. فاروج، خراسان شمالی
عکس: آرشیو پژوهشکده نظر



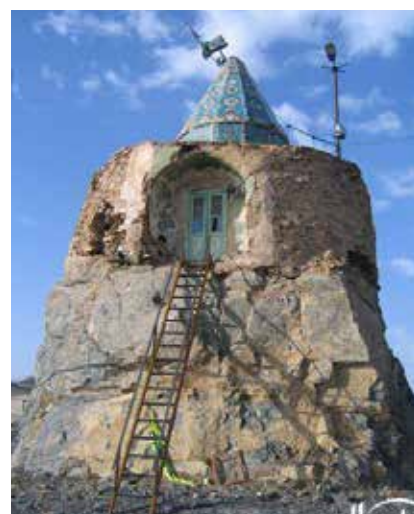
تصویر ۲. زیارتگاه شیخ اندرآبی، کیش
عکس: آرشیو پژوهشکده نظر



تصویر ۱. زیارتگاه صالح پیامبر. ابرکوه، یزد
عکس: آرشیو پژوهشکده نظر



تصویر ۵. مسجدی در مسیر جاده فیروزکوه - شیرگاه
عکس: شهره جوادی، ۱۳۹۵.



تصویر ۴. امامزاده عبدالله، روستای تار، نطنز
عکس: آرشیو پژوهشکده نظر



تصویر ۶. مسجدی در استان مازندران. عکس: شهره جوادی، ۱۳۹۵.



زنده از یک فرهنگ و زندگی غنی و پرمایه از ادب و نجابت و معنویت و پاکیزگی و زیبایی بود. امروز با همه این ارزش‌ها و فضیلت‌های بنیادین و مشترک جامعه و جهان بشری خویش وداع گفته‌ایم. هر اثر یادمانی در بستر جاری و شرایط تاریخی و مقتضیات و ملزومات فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی دوره‌ای که در آن پدید می‌آید، برای گروه‌های اجتماعی و مردمان پدیدآورنده آن در زمان خود، چنان واقعیتی زنده و فعال بر صحنه تاریخ، فرهنگ و زندگی مردم آن جامعه حضور داشته و نقش خود را ایفا می‌کرده‌است. تأثیر این بناها و مکان‌های یادمانی بر روان، رفتار و اندیشه، خرد و خیال، ذوق و ذائقه گروه‌های اجتماعی همان دوره بلاواسطه بوده‌است. لیکن این آثار برای مردم سده‌ها و هزاره‌های بعد موضوعیتی از جنس دیگر می‌پذیرفته که اصطلاحاً از آن به بازخوانی، بازنمایی و بازاندیشی تعبیر شده‌است (ملاصالحی، ۱۳۹۲: ۶۹).

بدیهی است که ذوق و ذائقه زیبایی‌شناسی مشمول این قاعده نمی‌شود. زیبا، همیشه زیبا است و فراسوی زمان تاریخی ایستاده است. از این رو است که آثار کلاسیک بر جای مانده در سراسر جهان همواره پذیرفته و مورد توجه بوده است، گرچه در دوران جدید و هنر مدرن ساختار شکنی‌هایی انجام شده و نگاه زیبایی‌شناسانه تغییر کرده و گاه در زمانی گذرا زیبایی‌شناسی هنری با شگفتی‌آفرینی و نوآوری همراه بود، اما هرگز آثار ماندگار کلاسیک نفی نشده و همواره مورد توجه مردم بوده‌است. امر قدسی نیز در ذات خود چنین است. به این معنا که هر آن چیزی که حس تعالی را در ما بیدار کرده و ما را از واقعیت پیش‌رو برکشیده و به آن سوتر فراخوانده یا خود مصداق آن بوده با آن احساس دل‌بستگی کرده و جان ما را ربوده‌است.

از جمله دلایل مهم زیبایی‌شناسی هنر قدیم ایران، مصر، ایلام، یونان و روم باستان، هند و چین با گذشت قرن‌ها هنوز با اقبال مواجه است و ذوق و ذائقه زیباشناسی ما را برمی‌انگیزد، این است که سر در سرچشمه، ریشه و بنیان‌های وجودی ما دارد؛ بنیان‌های وجودی مشترک.

بناهای یادمانی در زمانه خود، مانند کتاب‌ها و متن‌های چهار بعدی بوده‌اند که در زمان، مکان و جغرافیای مشخص برای مردمان عصر خویش پدید آمدند. یک زائر زیر سقف و در فضای قدسی و روحانی یک بنای آیینی یا یک مقبره و مزار و حرم مطهر، بازدیدگر ایمان خویش است. ذکر و ذاکر، زیارتگاه و ذائر، حافظه و هویت، ماده و معنا، متن و خوانش متن و در یک کلام، همه چنان یک واقعیت زنده و فعال، زیسته و تجربه می‌شود (همان: ۷۱). فطرت، خواهان آرامش و معنویت است که این عوامل در زیبایی‌آفرینی گذشتگان مدنظر بوده‌است.



الف



ب

تصویر ۷. مسجدی در فیروزکوه، مازندران. عکس: شهره جوادی، ۱۳۹۵.



تصویر ۸. امامزاده صالح. تجریش، تهران. عکس: شهره جوادی، ۱۳۹۵.

اماکن مقدس ایران در وضعیت کنونی

ابنیه و اماکن مذهبی - آیینی در نقاط مختلف ایران مانند بناهای مذهبی - آیینی فرهنگ‌ها و جوامع دیگر جهان در معرض تغییر گاه ساده و گاه جدی بوده‌است. در ایران نیز این بناها و اماکن مقدس خاصه طی دو قرن اخیر در معرض تغییر یا حتی شرایط ویژه بوده‌است. در دوره قاجار این آثار در فرهنگ و زندگی مردم جایگاه ویژه‌ای داشته‌است. حتی از جمله شاخصه‌های بارز و معرف معماری و هنر این دوره با سبک خاص خود بوده‌است. متأسفانه طی سال‌های اخیر بدون توجه به شرایط اقلیمی و بدون توجه به زیبایی‌شناسی بنا، تغییراتی در مواد و مصالح معماری و تزیینات بناها داده شده که به هیچ وجه قابل قبول نیست، این کج‌سلیقه‌گی در محوطه‌سازی بی‌تناسب درختان و گیاهان غیربومی و اصیل نیز به چشم می‌خورد و در موارد بسیاری تغییر مسیر آب‌های طبیعی چون چشمه، قنات و رودخانه باعث شده عناصر آیینی شامل آب، درخت و بنای مقدس (چارتاقی) که زمانی با دقت و مراقبت و خوش ذوق و آگاهانه و هوشمندانه در کنار هم چیده شده بود، از یکدیگر جدا شده و نقش ویژه اصیل و واقعی خود را از دست داده و به شکلی آشفته و مخدوش و معیوب در برابر ما ظاهر می‌شوند. ملال‌آور و غم‌انگیزتر آن که دیگر هیچ شکلی از تجربه انسان از امر مقدس و متعالی را این بناها در روان و رفتار ما بر نمی‌انگیزند. متأسفانه اقدامات شتاب‌زده و اعمال تعمیرات به‌دور از کارشناسی‌های تخصصی روی این بناها آسیب‌های جدی به هویت و واقعیت و اصالت آن‌ها هم به‌لحاظ فرم، هم محتوا یعنی هم در صورت و هم در معنا وارد آورده‌است. استفاده از مواد و مصالح نامناسب با فرم و ساختار این بناها، از جمله انواع نامرغوب سنگ‌های مرمر در مرمت بناها که جایگزین آجر و چوب شده از جمله همین اقدامات و عملیات مرمتی بی‌رویه و بازسازی‌های نازیبا، شلخته‌وار و غیراصولی و بی‌ضابطه و بی‌قاعده بوده‌است. این بناها و اماکن مقدس در ادوار پیش از ورود دین اسلام به ایران در مناطق مختلف میهن ما متناسب با باورها و ارزش‌ها و نظام اعتقادی و آموزه‌های دینی مردمان ایران زمین وجود داشته‌است. شواهد و قرائن فراوان نیز مؤید این نظر است. در دوران اسلامی نیز این بناها و اماکن، متناسب با دین جدید و فرهنگ مردم ایران و موافق با نظام ارزشی حاکم، بار دیگر بر صحنه فرهنگ و زندگی مردم ظاهر می‌شود. مکان‌های مقدس پیشین جای خود را با ساختار و فرم جدید به دیانت و معنویت و نظام اعتقادی و ارزشی جدید می‌دهد. بسیاری از امامزاده‌ها مانند گذشته همچنان بر قله‌کوه‌ها و فراز تپه یا در دل غارهای عظیم و صخره‌ای، در جوار چشمه‌سار، جویبار، رودخانه و درخت‌های کهنسال بنیاد می‌پذیرند و ساخته می‌شوند (تصویر ۹). حتی باغ‌مزارهای پرشماری که تقدس آن‌ها نشأت گرفته از کیهانی در هم تنیده و به هم پیوسته از حیات معنوی و تجربه‌های

عمیقاً روحانی و نسبت به مراتب متعالی وجود و در یک کلام عالم غیب و قدس بوده، این بار با نام این درویش، عارف، زاده امام و پیری از خود رسته و بزرگ‌مردی که به‌نام نیک شهره بوده و مورد احترام و ارادت و تکریم مردم و مقبول اقشار مختلف اجتماعی بوده آذین بسته می‌شود و به حیات خود ادامه می‌دهد. تا پیش از تحولات قرون اخیر در همه جای جهان از جمله ایران ابنیه و اماکن مقدس و آیینی نقش محوری و عمیق در حیات معنوی و فرهنگ و زندگی مردمان داشته‌است. در حریم این بناها و مکان‌ها و زیرسقف این حرم‌های مطهر، انسان مؤمن احساس می‌کرده متصل به سرچشمه‌های وجودی خویش است. این رشته اتصال معنوی و حلقه پیوند باطنی و روحانی اصیل نه توهم‌آلود، در روزگار ما گسسته شده‌است. انسان گویی دیگر بهانه‌ای برای یک زندگی و نحوه بودنی اصیل و معنادار در جهان ندارد. روی آوار به‌هم‌ریخته از سنت‌ها و نظام‌های ارزشی و اعتقادی گذشته ایستاده‌است. مظاهر و مصادیق سرگشتگی و ویرانی درون و بی‌خانه‌مانی او را همه‌جا می‌توان دید و زیست و تجربه کرد. مسئله دیگر به افول معماری آیینی و مقدس محدود نمی‌شود بلکه دامن معماری و هندسه بنا و مهندسی فضاها و بافت‌های معماری شهری و روستایی را که در آن زندگی می‌کنیم نیز گرفته‌است.

واقعیتی که چهره زیست و نازیبای آن در کشورهای جهان سوم متأسفانه آشکارتر است. البته هم در کشورهای جهان سوم هم جهان ما بعد صنعتی و ویرانی درونی انسان امروزی همه جا آشکار و محسوس است (شایگان، ۱۳۹۲: ۸۷).



تصویر ۹. ورودی گورستان. شیرگاه، مازندران. عکس: شهره جوادی، ۱۳۹۵.

مذهبی آیینی که بسیاری از آن‌ها تا چندی پیش هم‌چون نگین‌هایی درخشان در مناطق مختلف میهن ما می‌درخشیدند و ملجاء و مأمن مردم بودند و چهره زیبا و والای هنر، ذوق و ذائقه زیباشناختی و حیات مدنی و معنوی ایرانیان در قامت استوار معماری و هندسه خردمندانه بناها و مهندسی حکیمانه فضاها را به تماشا می‌نهادند؛ اینک چنان آسیب دیده و از تحمیل عناصر ناهماهنگ و نازیبا قامتشان خمیده که در کمتر دوره‌ای مشابه‌اش را در تاریخ معماری ایرانی تجربه کرده و شاهد بوده‌ایم.

این مناظر نازیبا و دخالت‌های غلط و تحمیل عناصر ناهماهنگ و نامناسب با ساختار و فرم بناهای مذهبی - آیینی را در همه مناطق ایران طی دهه‌های اخیر و از همه غم‌انگیز و تاسف‌بارتر، در ابنیه و اماکن خطه شمال کشور بیش از مناطق دیگر می‌توان دید. در شمال ایران که گنبد‌های سبز و سفید در کنار آجر و گچ سفید مرسوم بود و معماران و هنرمندان شمالی ما در کاربری آجر و چوب سرآمد بودند و بسیار چیره‌دست و خوش‌ذوق و ذائقه در قلب طبیعت و جغرافیای طبیعی جلوه‌گری می‌کرد؛ اکنون چنان با تزیینات ناهماهنگ رنگ طلایی و گاه گنبد و مناره‌های عجیب و غریب و ناموزون کاشی‌کاری‌های بی‌تناسب به جهت رنگ و شکل شده‌است که انسان از آن همه تحریف هویت بنا و تخریب اصالت و تحمیل حماقت مسئولان بی‌مسئولیت و سودازده و سوداگر بدوی دچار سرگیجه می‌شود. پیش‌تر رنگ و شکل معماری ایران از عناصر بومی و محلی تبعیت می‌کرد و با طبیعت اطراف شامل آب و درخت و کوه، هم‌سایه و هم‌خانه و هم‌سو و هم‌دل و هم‌راز بود،

امری ظاهری نیست و تجاوزی واقعی است (همان: ۸۸). به‌نقل از ژان پل دله). به همان میزان که معماری می‌تواند نقش مؤثر و تعیین‌کننده در بیدار و هشیار نگه‌داشتن حافظه و هویت اجتماعی مردمان داشته باشد، در دامن زدن فراموشی، بی‌هویتی و غفلت نیز دستی گشاده و دراز و ویران‌گر به مقیاس وسیع و غیر قابل تصور و غیر قابل پیش‌بینی دارد.

باید اذعان کرد که در موقعیتی دشوار، شرایطی فوق‌العاده پیچیده و نگران‌کننده قرار گرفته‌ایم. دولتیان، مجلسیان، قضائیان، نظامیان، معماران، مهندسان و در یک کلام طراحان و برنامه‌ریزان توسعه جامعه معاصر بعد انقلابی ما هنوز توجه چندان عمیق و جدی به پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها و مخاطرات سخت و چالش‌های سنگینی که پیش‌روی جامعه معاصر ماست ندارند. طراحان و مهندسان معماری و فضاهای جامعه شهری ما آزاد و بی‌مهار هرچه می‌خواهند می‌سازند و هر آنچه را بتوانند ویران می‌کنند. شیوه عملی و عملکرد طراحان و مهندسان و معماران جامعه معاصر ما به‌هیچ وجه قابل قبول نیست. مبانی نظری آن‌ها، از بنیاد سست و غیر قابل قبول و تعریف نشده و غیر قابل توجیه است. به مقیاس جهانی نیز اساس کار چنین معمارانی بر فرم‌ها و باورهای رایجی استوار است که بر عموم مردم هر دم ناخوشایندتر می‌شود (آلسوپ، ۱۳۷۱: ۱۶). این نگرانی‌ها نسبت به هنر مدرن و امروزی است که از هنر با هویت و کاربردی گذشته فاصله گرفته و در نتیجه ارتباطش با مردم قطع شده است. غم‌انگیزتر و فاجعه‌بارتر از همه این است که معماری گذشته و به‌خصوص اماکن و بناهای



تصویر ۱۰. صندوق صدقات. عکس: شهره جوادی، ۱۳۹۵.



ب



الف



د



ج

تصویر ۱۱. امامزاده اسماعیل. نمونه‌ای بارز از نیایشگاه غاری در دل صخره‌های عظیم و پای رودخانه‌ای جاری. شکل کنونی این مکان مقدس همچون دیگر بناهای مذهبی امروزی آراسته به زرق و برق‌های معمول شده‌است. فیروزکوه، مازندران. ج: بخش کمی از صخره که لابلای آینه‌کاری آشکار است؛ پیش از تزیین آینه، ضریح مقدس در دل صخره‌های عظیم آرمیده بود و ابهت شگفت‌انگیزی داشت. عکس: شهره جوادی، ۱۳۹۵.

نو ساختن و استحکام بخشیدن و تزیین بنا چنان آسیبی به هویت و اصالت بنا وارد آورده‌است و آن را با مواد و مصالح نامرغوب و نامتناسب و ناهماهنگ با معماری و ساختار و فرم بنا چنان تحریف و تخریب کرده که رغبت و احساس خوش مواجه انسان را با بنا می‌ستاند.

با مردم پیوند و پیوستگی درونی و اصیل و واقعی داشت و پرمایه و غنی و زنده از تروح بود و تموج معنوی اینک بقایش درگرو سود و سودای سوداگران است. مزار امامزادگان و بزرگان دین و جان‌های از خود رسته که ابنیه‌ای بودند برآمده از خاکی معنوی و بنیاد پذیرفته بر شانه گل و آجر و گاه لاشه سنگ در کنار درختی کهن‌سال، چشمه و صخره یا تپه (که شمار بسیار معدوی از آن‌ها هم‌چنان مقاومت کرده و به حیات خود ادامه می‌دهند) نیز به بهانه

نتیجه‌گیری

تجربه آسیب‌های جدی به حیات معنوی مردمان نیز وارد آورده و در سپهر معماری دینی-آیینی متأسفانه ملموس و محسوس‌تر از هر سپهری قابل مشاهده‌است. قاجاران در صیانت از ابنیه و اماکن مذهبی خواسته و ناخواسته یا آگاهانه و ناآگاهانه موفق‌تر بودند. شاید هنوز زلزله‌ها و تکان‌های سنگین قاره غربی در جامعه چندان احساس نشده بود. اینک جامعه معاصر ما به‌طرز همه‌جانبه و در تمام سطوح در معرض مستقیم آن زلزله‌ها و تکان‌های تاریخی اجتناب‌ناپذیر قرار دارد که نیازمند تدبیر و مدیریت خردمندانه است. محور سخن نوشتار حاضر این است که در تدبیر و مدیریت چنین تغییرات و تحولات تاریخی در سپهر معماری بویژه معماری مذهبی-آیینی خردمندانه و مدبرانه عمل نشده‌است. نحوه عمل و اقدام، مؤید بی‌خبری و جهل از تحولات دوره جدید است که هر بار از اینجا و آنجا به طرق مختلف سربرکشیده و چهره نازیباى خود را آشکار کرده است. در شرایطی این چنین دشوار و پیچیده و زندگی در جامعه و جهانی منقلب و متحول، پیشنهاد مشفقانه به مدیران، مسئولان و دولتیان کشور این است که موارث فرهنگی ملت خویش را در محراب سود و سودا قربانی نکنند و برای فرهنگ و صیانت از میراث غنی کشور برنامه بریزند و سرمایه هزینه کنند و ابنیه مذهبی کشور که جلوه‌ای زنده از استمرار حیات مدنی و معنوی ایرانیان است، بازی نکنند.

پیشنهاد: ضروری است که مسئولین هنری و متولیان میراث فرهنگی تاریخی و مذهبی به فکر نجات گنجینه‌های با ارزش این مرز و بوم باشند و از رشد سریع و بی‌رویه ناهنجاری‌ها جلوگیری کنند.

ابنیه و اماکن یادمانی مذهبی-آیینی ایران جلوه‌ای از حیات معنوی و معرف فرهنگی غنی و مؤید ذوق و ذائقه زیباشناختی و هنر ایرانیان هم درعهد باستان، هم عصر اسلام و قرآن بوده‌است. این بناها و مکان‌ها و بافت‌ها و حریم‌های مقدس اینک در معرض آسیب، تحریف، تهدید و تخریب‌های جدی قرار گرفته و دوره افول‌شان را می‌گذرانند. حتی اگر خوشبینانه موفق شویم صورت، ساختار و شکل این بناها را آنگونه که بوده‌اند (به‌مانند جوامع غربی در شیوه مرمت با اصول منطقی) حفاظت کنیم و اصلتشان را موزه‌ای پاس بداریم لیکن مادام که نمی‌توان نسبتی زنده و درونی و واقعی با این مکان‌ها و فضاها برقرار کرد، دیر یا زود ستون فقراتشان درهم شکسته و چونان آوار بر سرمان فروخواهد ریخت. در اینکه فرهنگ و زندگی و مناسبات اجتماعی ما در دو قرن طوفانی اخیر تغییر چهره داده و دستخوش تحول جدی شده‌است، محل تردید نیست. اما این تغییر چهره و دگرگونی به کدام سوی به حرکت در آمده و بسوی کدام هدف و غایتی گام برداشته و از کدام اقلیم و سرزمین و جغرافیای تاریخی و مدنیت و معنویتی سر برمی‌دارد، مسئله ایست فوق‌العاده مهم و تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز. بحث معماری مذهبی-آیینی ایران و طرح معضلاتی که این نوع از معماری کشور که هم مقدس است هم معنوی و جلوه‌ای از حیات مدنی و معنوی مردم ما با آن دست به گریبان است تنها چهره‌ای از تغییر چهره‌های پرشمار دیگر جامعه معاصر ما را بیان و آشکار می‌کند. جامعه پس از انقلاب در چهار دهه اخیر هم مدعی دینداری و ترویج دیانت و معنویت بوده، هم نظام سیاسی دینی را نیز بنیاد نهاده است لیکن در میان عمل و محک

فهرست منابع

- Alpers, P. (ed). (1992). *The Philosophy of The Visual Arts*. New York : Oxford University press.
- Allsopp, B. (1992). *A new theory in architecture*. Translated to Persian by Forozi, P. Tehran: Ketabsara.
- Balkhi, J. M. (1985). *Mathnavi-e-Maanavi*, copy Nicholson. C 2. Tehran: Elmi.
- Boivin, N. (2008). *Material Cultures. Material Minds. The impact of things on human thought, society, and evolution*, Cambridge: Cambridge University.
- Eliade, M. (1963). *The Myth if The Eternal Return or, Cosmos and History*. Princeton: Princeton University Press.
- Eliade, M. (1983). *Aspects du mythe*. Translated to Persian by Jalal Satari. Tehran: Tous publications.
- Hodder, Ian. & Hutson, S. (2003). *Reading The Past :Current Approaches to Interpretation in Archaeology* (thierd eds.), Cambridge: Cambridge University Press.
- Pope, A. (1986). *A rchitecture, shape and color burst Iran victory*. Translated by Keramatullah, A. Tehran: Yasavoli, Farhangsara.
- Renfrew, C. (2001). Symbol Before Context: Material Engagement and the Early Development of Society, in Ian Hodder (ed.). *Archaeological Theory Today*. Cambridge: Polity.
- Vernant , J. P. (1965). *Mythe et pense ´e chez les grecs*. Paris: Maspero.
- آلسوپ، بروس. (۱۳۷۱). یک تئوری نوین در معماری. ت : فروزی، پرویز. تهران : کتابسرا.
- اپهام پوپ، آرتور. (۱۳۶۵). معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ. ت : افسر، کرامت‌الله. تهران : یساولی.
- الیاده، میرچا. (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره. ت : ستاری، جلال. تهران : انتشارات توس.
- بلخی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۴). مثنوی معنوی؛ نسخه نیکلسون. ج ۲. تهران : انتشارات علمی.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با چشمه، کوه و درخت. باغ نظر، ۸.
- رحیم‌زاده، معصومه. (۱۳۸۲). سقاتالارهای مازندران: وجهی از معماری آیینی، ساری : سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- شایگان، داریوش. (۱۳۹۲). در جست‌وجوی فضاهای گمشده. تهران : انتشارات فرزاد.
- ملاصالحی، حکمت‌اله. (۱۳۸۴). جستاری در فرهنگ، پدیده موزه و باستان‌شناسی. تهران : موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ملاصالحی، حکمت‌اله. (۱۳۸۷). از سطوت جلالی معماری تخت جمشید پارس تا معماری حکمت متعالیه صدرای شیرازی. مجموعه مقالات یازدهمین و دوازدهمین همایش بزرگداشت حکیم صدرالمطلبین شیرازی (ملاصدرا). تهران و شیراز.
- ملاصالحی، حکمت‌اله. (۱۳۹۲). از قلم مورخان تا کلنگ باستان‌شناسان. مجله مطالعات باستان‌شناسی، ۵ (۱) : ۱۲۶-۱۰۹.